

رابطه پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین

محمد ثناگویی،* مسعود جان بزرگی،** علیرضا مهدویان***

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زن و شوهر انجام گرفته است. حجم نمونه، شامل ۱۲۱ زوج (۲۴۲ نفر) از زوجین مراکز دانشگاهی تربیت معلم و حوزوی شهر اصفهان بود که با روش چند مرحله‌ای به صورت تصادفی انتخاب شد. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهشی از پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوجین کریستنسن و سالوی و پرسش‌نامه پایبندی مذهبی جان بزرگی استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری مختلف، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین پایبندی مذهبی و نوع الگوهای ارتباطی زوجین در سطح $(p < 0/01)$ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین الگوهای ارتباطی زوجین (ارتباط سازنده متقابل، ارتباط توقع/کناره‌گیری، ارتباط توقع زن/کناره‌گیری مرد و ارتباط اجتنابی متقابل)، در افراد پایبند به مذهب در مقایسه با افراد ناپایبند به مذهب تفاوت معناداری وجود دارد. می‌توان از طریق پایبندی مذهبی، الگوهای ارتباطی زوجین را پیش‌بینی کرد و احتمالاً با تغییر آن، الگوهای ارتباطی را نیز تغییر داد. کلیدواژه‌ها: الگوهای ارتباطی زوجین، پایبندی مذهبی و ناپایبندی مذهبی.

مقدمه

گزارش‌های بالینی نشان داده است که علت اصلی و مشترک مراجعه حرفه‌ای مردم به زوج درمانی، مشکلات ارتباطی است.^۱ خانواده درمانگران بر این باورند که تغییر الگوهای ارتباطی در مقایسه با دیگر عوامل تأثیرگذار در ناسازگاری زناشویی، مانند ویژگی‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی عملی‌تر است.^۲ بر این اساس، ضرورت توجه به الگوهای ارتباطی زوجین، امری است که در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران در حیطه زوج درمانی قرار گرفته تا جایی که گاتمن (۱۹۹۴م)، با توجه به نوع الگوهای ارتباطی زوجین، به پیش‌بینی وقوع طلاق می‌پردازد. از سوی دیگر، الگوهای ارتباطی سالم و سازنده، یکی از مهم‌ترین عوامل رضایتمندی زناشویی، و الگوهای ارتباطی معیوب، یکی از علل ایجاد مشکلات زناشویی و نارضایتی شمرده شده است.^۳

پژوهش‌ها نشان داده است که عوامل مختلفی در شکل‌گیری این الگو مؤثر خواهد بود. از جمله می‌توان به نقش‌های جنسیتی، تعاملات زوجین در خانواده مبدأ، عوامل محیطی و عوامل فرهنگی و مذهبی اشاره کرد.^۴

از میان عوامل یاد شده، مؤلفه مذهب و معنویت از مهم‌ترین عوامل فرهنگی هستند که به تجارب، رفتار و ارزش‌های انسان‌ها معنا و ساختار منسجم می‌بخشند.^۵ مطالعات مختلف نشان می‌دهد که دین و معنویت پیامدهای مثبت مهمی در روابط زندگی، به ویژه کیفیت زندگی خانوادگی داشته است. باورهای دینی، همبستگی مثبت با سطوح پایین تعارض‌های زناشویی، حمایت معنوی بالاتر و افزایش روابط حمایتی بین والدین و کودکان داشته است.^۶ جریگان و ناک (۱۹۷۸م)، دین را بهترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج و زندگی زناشویی می‌دانند، زیرا عمل به باورهای دینی، موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده، در نهایت، سبب فزونی رضایت زناشویی می‌شود.^۷ همچنین شرام (۱۹۸۰م) در مطالعه‌ای، عوامل مذهبی، مانند مؤلفه‌های مذهبی^۸ و وابستگی‌های مذهبی^۹ را بر پایداری زناشویی با یک نمونه ۳۱۴۳ بزرگسال، ارزیابی کرده است. او نتیجه گرفته است که ارتباطی میان مذهب و پایداری زناشویی وجود دارد. روث^{۱۰} نیز در مطالعه‌ای که بین دو فرقه مسیحی «متدیست»^{۱۱} و «باپتیست»^{۱۲} در ایالت کالیفرنیا جنوبی انجام داده، نشان می‌دهد که

که معنویت، عامل مهمی در خرسندی زناشویی است. *دانیل لیچتر* و *جولی کارمالت*^{۱۵} (۲۰۰۹م)، در پژوهشی به بررسی مذهب و کیفیت زناشویی در زوجین کم درآمد پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که بیشتر زوجین مذهبی کم درآمد، نمره‌های بالایی از کیفیت زناشویی گرفته‌اند. در پژوهشی دیگر، *دانا برون*^{۱۶} و دیگران (۲۰۰۸م)، به بررسی مذهب و کیفیت زناشویی در زوجین سیاه‌پوست و سفیدپوست امریکایی پرداخته‌اند، نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که احتمال کمتری وجود دارد که زوجین مذهبی طلاق بگیرند. *لامبرت و دولاهیت*^{۱۷} (۲۰۰۶م) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که مذهب چگونه می‌تواند به پیشگیری، حل و مغلوب ساختن تعارض زناشویی کمک کند. آنها ۵۷ زوج از سه مذهب (یهود، مسیحیت و اسلام) در دو ایالت کالیفرنیا شمالی و نیو انگلند انتخاب نموده‌اند. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که مذهب می‌تواند در سه جهت به فرایند حل تعارض کمک کند: ۱. حل تعارض، ۲. پیشگیری از وقوع مشکل، ۳. آشتی در روابط.

با مرور مطالعات مختلف در این زمینه، می‌توان نتیجه گرفت که اثرگذاری دین بر ارتباطات زوجین، به ماهیت و حقیقت دین بر می‌گردد، زیرا دین یک نیروی روان‌شناختی است که می‌تواند روی نتایج زندگی انسانی تأثیر گذارد. دین یک سیستم اعتقادی سازمان یافته است که شامل ارزش‌های اخلاقی و معنوی، آیین‌ها، عبادت‌های دسته‌جمعی، اعتقاد به خداوند و یا یک نیروی بالاتر، کتاب‌ها و آموزه‌های آسمانی است. مذهب، دستورات و استانداردهایی برای زندگی خانوادگی فراهم می‌کند. همچنین با ایجاد وابستگی گروهی در زمان‌های بحرانی، اجتماع ایمانی را به خوبی حمایت نموده، با برپایی مناسک و مراسم معنادر، به تقویت ارتباطات میان اشخاص و خانواده‌ها کمک می‌کند،^{۱۸} از این رو به یکپارچگی و انسجام اعضای خانواده پرداخته، روابط میان فردی آنها را اصلاح می‌کند.

بنابراین، با توجه به حمایت مطالعات مختلف از اثربخشی دین بر رضایت زناشویی و کیفیت ارتباطات همسران، به نظر می‌رسد که رابطه بین مذهب و الگوهای ارتباطی زوجین، چگونگی اثربخشی دین را بر کیفیت ارتباطات بین زوجین بیشتر توضیح دهد، زیرا زوجین از طریق الگوهای ارتباطی معین با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و رضایت زناشویی و کیفیت زندگی آنها براساس پژوهش‌های مختلف بستگی به الگوهای ارتباطی آنها دارد.^{۱۹}

بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است که رابطه بین پابندی مذهبی (اسلام) را با الگوهای ارتباطی زوجین بررسی کند. این پژوهش با یک پرسش اصلی رو به روست و آن اینکه آیا بین پابندی مذهبی و الگوهای ارتباطی زوجین رابطه‌ای وجود دارد؟ بنابراین در این پژوهش، فرضیه‌های زیر بررسی می‌شود:

پابندی مذهبی رابطه مثبت معناداری با الگوی ارتباطی سازنده متقابل دارد.
الگوهای ارتباطی زوجین پابند به مذهب، با الگوهای ارتباطی زوجین ناپابند به مذهب، متفاوت است.

پابندی مذهبی می‌تواند پیش‌بینی کننده الگوی ارتباطی سازنده متقابل، و ناپابندی مذهبی می‌تواند پیش‌بینی کننده الگوهای ارتباطی معیوب (غیر سازنده) باشد.

روش

این تحقیق از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

به علت مشارکت و کنترل نسبی متغیر مذهبی بودن، همچنین عدم در دسترس بودن زوجین در دانشگاه‌ها یا سایر مراکز، کلیه زوجین مراکز دانشگاهی تربیت معلم و زوجین مراکز حوزوی شهر اصفهان برای جامعه آماری پژوهش انتخاب شدند. ویژگی‌های جامعه آماری زوجین عبارت است از اینکه دست‌کم یکی از زوجین دانشجوی یا طلبه است. روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای به صورت تصادفی است؛ بدین صورت که ابتدا از بین مراکز دانشگاهی و حوزوی به صورت تصادفی، چند مرکز انتخاب شده، سپس از بین مراکز انتخاب شده چند کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید و پرسش‌نامه‌ها بین دانشجویان و طلاب متأهل توزیع شد. حجم نمونه پس از بررسی پرسش‌نامه‌ها و حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، همچنین حذف آزمودنی‌هایی که با معیارهای ورود منطبق نبودند، ۱۲۱ زوج (۲۴۲ نفر) انتخاب شد. از این تعداد، ۵۹ زوج متعلق به گروه طلاب و ۶۲ زوج متعلق به گروه دانشجویان بودند. با توجه به اینکه در پژوهش‌هایی از نوع همبستگی دست‌کم پنجاه نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد،^{۲۰} از این رو تعداد حجم نمونه، تعداد قابل قبولی است. شایان ذکر است که معیارهای ورود در نمونه‌گیری عبارت بود از:

دو سال از ازدواجشان گذشته باشد، دچار بیماری‌های مزمن روانی نباشند و سن آنها بیست سال به بالا باشد. ابزار سنجش معیارهای ورود آزمودنی‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته و خودگزارش‌دهی آزمودنی‌ها بود. گروه‌های نمونه کاملاً با رعایت مسایل اخلاقی و حقوقی شرکت کنندگان تشکیل شد. زوجین با اختیار خود و به صورت داوطلبانه و با فرصت کافی به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. پاسخ‌نامه‌ها بدون ذکر نام و نام خانوادگی در اختیار آنها قرار گرفت و به آنها این اطمینان داده شد که اطلاعاتشان صرفاً برای پژوهش به کار گرفته شده و هیچ نهاد یا سازمانی به اطلاعات آنها دسترسی پیدا نمی‌کند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک‌راهه، آزمون تعقیبی توکی و رگرسیون تک متغیره استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی کریستنسن، سالوی (۱۹۸۴)

در این مطالعه، منظور از الگوهای ارتباطی، سه الگوی ارتباطی است که کریستنسن و سالوی (۱۹۸۴م)، به نقل از عبادت‌پور (۱۳۷۹ش) به آن اشاره دارند. این پرسش‌نامه یک ابزار خودسنجی است که ۳۵ سؤال دارد و به منظور برآورد ارتباط زناشویی طراحی شده است. این پرسش‌نامه (CPQ)، رفتارهای زوجها را طی سه مرحله از تعارض زناشویی: ۱. هنگامی که مشکل در رابطه زوجین به وجود می‌آید، ۲. مدت زمانی که درباره مشکل بحث می‌شود، ۳. بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی، مشخص می‌کند که زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا نمره ۹ (خیلی امکان دارد) درجه‌بندی می‌کنند. این رفتارها عبارت‌اند از: اجتناب متقابل، بحث متقابل، بحث/اجتناب، مذاکره متقابل، خشونت کلامی، خشونت جسمانی و کناره‌گیری متقابل. این پرسش‌نامه از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: مقیاس ارتباط سازنده متقابل، مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل، مقیاس ارتباط توقع / کناره‌گیری. ارتباط توقع / کناره‌گیری از دو بخش تشکیل شده است: مرد متوقع / زن کناره‌گیر و زن متوقع / مرد کناره‌گیر. تحقیقات قبلی که از پرسش‌نامه CPQ استفاده نموده‌اند، اعتبار (۰/۷۴) تا (۰/۷۸) را برای خرده مقیاس‌های مختلف آن تعیین کرده‌اند.^{۱۱}

در ایران عبادت‌پور (۱۳۷۹ش)، پرسش‌نامه فوق را هنجاریابی کرده و به منظور برآورد روایی پرسش‌نامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه رضایت زناشویی را محاسبه کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که همه مقیاس‌های این پرسش‌نامه با رضایت زناشویی /نریچ همبستگی دارد. در این مطالعه، اعتبار مقیاس‌های پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب در مقیاس ارتباط سازنده متقابل برابر ۰/۵۴، ارتباط اجتنابی متقابل ۰/۶۸ و ارتباط توقع /کناره‌گیری ۰/۵۳ گزارش شده است.^{۲۲}

پرسش‌نامه پایبندی مذهبی جان بزرگی (۱۳۸۸)

این آزمون رفتارهای مذهبی را در موقعیت‌های بالینی و پژوهشی می‌سنجد و متغیرهای مذهبی را در مداخله‌هایی که به نوعی از روش‌های مذهبی استفاده می‌کنند، کنترل می‌نماید. این آزمون از یک پرسش‌نامه شصت سؤالی تهیه شده است که سه عامل (پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی) را مورد سنجش قرار می‌دهد.

در عامل پایبندی مذهبی، فرد بی‌تردید، رفتار خود را بر اساس معیارهای مذهبی تنظیم کرده و می‌کوشد که همه رفتارهایش را بر اساس مذهب طراحی کند.

در عامل ناپایبندی مذهبی، فرد هیچ‌گونه تعمدی به تنظیم رفتارها بر اساس اصول یا دستورالعمل‌های مذهبی ندارد.

در عامل دوسوگرایی مذهبی، فرد همواره نگران و در حالت تردید مذهبی به سر می‌برد. بین کردار و گفتارش ناهماهنگی وجود دارد. در برابر سختی‌ها کم تحمل است. احساس خوبی به خود و رابطه خود با خدا ندارد. از اعمال مذهبی خود ناراضی است و تنها هنگام سختی‌ها به خدا پناه می‌برد.

شایان ذکر است ابعادی که در این پرسش‌نامه به دست آمده، ابعاد دین‌داری را الزاماً نمی‌سنجد، بلکه ابعاد روی‌آوری یا روی‌گردانی یک فرد را از مذهب یا ایمان فرد را به اعتقادات مذهبی می‌سنجد، هر چند که می‌توان با آن هدف هم پرسش‌نامه را تحلیل کرد.^{۲۳} ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون برابر ۰/۸۱۶ و ضریب هم‌سانی درونی عامل پایبندی درونی ۰/۸۷۸، ضریب هم‌سانی درونی عامل‌گذاری ۰/۶۸۷ و ضریب هم‌سانی درونی عامل ناپایبندی مذهبی ۰/۷۲۵، گزارش شده که همگی نشان‌دهنده اعتبار بالای این

پرسش‌نامه است. همچنین برای محاسبه روایی ملاک، نیز صورت اولیه این آزمون قبل از تحلیل عاملی با آزمون جهت‌گیری مذهبی آلپورت محاسبه شده که ضریب همبستگی نمره‌های دو آزمون با $n=60$ از میان دانشجویان $0/47$ گزارش شده که در سطح $(p < 0/001)$ معناداری است.^{۲۴}

یافته‌ها

پس از بررسی داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و آزمون‌های آماری به تحلیل اطلاعات پرداخته که یافته‌های به دست آمده در سه جدول به طور خلاصه آورده می‌شود:

جدول ۱: میزان همبستگی بین خرده مقیاس‌های الگوهای ارتباطی زوجین و ابعاد مختلف پایبندی مذهبی

پایبندی مذهبی کل ^{۲۵}	ناپایبندی مذهبی	دوسوگرایی	پایبندی مذهبی	خرده مقیاس‌های پایبندی مذهبی مقیاس‌های الگوهای ارتباطی
xx+0/222 0/000	x-0/158 0/014	xx-0/215 0/001	0/113 0/078	ارتباط سازنده متقابل ضریب همبستگی سطح معناداری
xx-0/291 0/000	xx+0/303 0/000	xx+0/325 0/000	-0/043 0/503	ارتباط توقع/کناره‌گیری ضریب همبستگی سطح معناداری
xx-0/199 20/00	xx+0/206 0/000	xx+0/206 0/000	-0/021 0/748	ارتباط توقع/کناره‌گیری ضریب همبستگی مرد/زن سطح معناداری
xx-0/320 0/000	xx+0/287 0/000	xx+0/375 0/000	-0/057 0/379	ارتباط توقع/کناره‌گیری ضریب همبستگی زن/مرد سطح معناداری
xx-0/271 0/000	xx+0/270 0/000	xx+0/282 0/000	-0/079 0/219	ارتباط اجتنابی ضریب همبستگی سطح معناداری

p<0/01 *P<0/05

همان‌طور که جدول ۱ بیان می‌کند رابطه معناداری بین «ارتباط سازنده متقابل» با «پایبندی مذهبی» وجود ندارد. اما رابطه معناداری در سطح $p < 0/05$ میان «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» با «دوسوگرایی» و «ناپایبندی مذهبی» و «پایبندی مذهبی کل» وجود دارد. ضریب همبستگی میان «ارتباط سازنده متقابل» با عامل‌های «دوسوگرایی» و «ناپایبندی مذهبی» و «پایبندی مذهبی کل» به ترتیب عبارت است از: $r = -0/215$ ، $r = 0/158$ ، $r = 0/222$. جهت همبستگی میان «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» با «پایبندی مذهبی کل» مثبت است، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هرچه «پایبندی مذهبی زوجین» قوی‌تر باشد «الگوی ارتباط سازنده متقابل» بین آنها بیشتر برقرار است. البته جهت همبستگی در رابطه میان

ارتباط سازنده متقابل» با «دوسوگرایی» و «ناپابیندی مذهبی»، منفی است که نشان می‌دهد با افزایش «دوسوگرایی» یا «ناپابیندی مذهبی»، «ارتباط سازنده متقابل» نیز میان زوجین کاهش می‌یابد.

شایان ذکر است که رابطه معناداری بین همه الگوهای ارتباطی با عامل «پابیندی مذهبی» وجود ندارد. اما رابطه معنادار و معکوسی در سطح $p < 0/01$ میان الگوهای ارتباطی «توقع/کناره‌گیری»، «ارتباط توقع / کناره‌گیری مرد / زن»، «ارتباط توقع / کناره‌گیری زن / مرد» و «الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل» با «پابیندی مذهبی کل» وجود دارد؛ یعنی هرچه زوجین پابیندی مذهبی بالاتری داشته باشند، الگوهای ارتباطی اخیر کمتر بین آنها برقرار است. گرچه جدول ۱ نیز مؤیدی بر این نتیجه است که رابطه مثبت معناداری در سطح $p < 0/01$ بین الگوهای ارتباطی غیر سازنده با خرده‌مقیاس‌های «دوسوگرایی» و «ناپابیندی مذهبی» وجود دارد. پس طبق این نتایج، فرضیه اول تأیید می‌شود.

در مرحله بعد، تفاوت الگوهای ارتباطی زوجین در هر سه گروه پابیند به مذهب، ناپابیند و دوسوگرا بررسی شده است.

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل واریانس یکراهه برای بررسی تفاوت الگوهای ارتباطی بین زوجین پابیند به مذهب، دو سوگرا و ناپابیند

نتایج تحلیل واریانس یکراهه F P	ناپابیند به مذهب		دوسوگرا		پابیند به مذهب		گروه‌ها الگوهای ارتباطی
	SD	M	SD	M	SD	M	
۶/۲۰۰ ۰/۰۰۲	۸/۲۴	۲۸/۳۸	۱۱/۴۰	۳۰/۰۷	۱۰/۴۹	۳۵/۳۹	ارتباط سازنده متقابل
۶/۵۴۵ ۰/۰۰۲	۶/۹۲	۳۱/۲۲	۱۱/۲۰	۲۵/۶۹	۱۰/۳۸	۲۲/۷۲	ارتباط توقع/کناره‌گیری
۴/۳۷۸ ۰/۰۱۴	۴/۷۵	۱۵/۵۸	۶/۴۳	۱۲/۳۰	۶/۲۳	۱۱/۶۸	ارتباط توقع/کناره‌گیری م/ز
۶/۹۱۱ ۰/۰۰۱	۴/۱۷	۱۵/۶۴	۶/۱۸	۱۳/۳۹	۵/۳۵	۱۱/۰۳	ارتباط توقع/کناره‌گیری ز/م
۵/۸۵۴ ۰/۰۰۳	۵/۴۶	۱۳/۸۰	۵/۸۳	۱۱/۸۱	۵/۷۷	۹/۶۲	ارتباط اجتنابی متقابل

طبق جدول ۲، نتایج تحلیل واریانس (F) نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سطح $P < 0/01$ میان الگوهای ارتباطی «سازنده متقابل»، «توقع/کناره‌گیری»، «توقع/کناره‌گیری مرد/زن»، «توقع/کناره‌گیری زن/مرد» و «اجتنابی متقابل»، بین گروه‌ها وجود دارد. میانگین نمره ارتباط سازنده متقابل در گروه پابیند به مذهب بیشتر از دو گروه دیگر است، اما میانگین نمره‌های سایر الگوهای ارتباطی در گروه پابیند به مذهب در مقایسه با دو گروه دیگر، پایین‌تر است. همچنین میانگین نمره الگوی ارتباطی سازنده متقابل در گروه

دوسوگرا در مقایسه با گروه ناپایبند به مذهب بالاتر است و میانگین نمره‌های سایر الگوهای ارتباطی در گروه دوسوگرا در مقایسه با گروه ناپایبند به مذهب پایین‌تر است. نتایج آزمون تعقیبی توکی نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سطح $p < 0/05$ بین گروه‌های «پایبند و دوسوگرا» و «پایبند و ناپایبند» از نظر الگوهای ارتباطی سازنده متقابل، توقع زن، کناره‌گیری مرد و اجتنابی متقابل وجود دارد. اما در مورد الگوهای ارتباطی «توقع/کناره‌گیری» و توقع مرد، کناره‌گیری زن تفاوت معناداری بین گروه‌های دوسوگرا و پایبند مشاهده نشد. همچنین تفاوت معناداری بین گروه‌های دوسوگرا و ناپایبند از نظر الگوهای ارتباطی سازنده متقابل، توقع زن، کناره‌گیری مرد و اجتنابی متقابل مشاهده نگردید. بنابراین، فرضیه دوم مبنی بر اینکه تفاوت معناداری بین الگوهای ارتباطی زوجین پایبند به مذهب و ناپایبند به مذهب وجود دارد، تأیید می‌شود.

مرحله مهم‌تری که مطالعه حاضر در صدد بررسی آن بوده، پیش‌بینی الگوهای ارتباطی از طریق پایبندی مذهبی است. برای این منظور از مدل رگرسیون تک متغیره استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که میزان F به دست آمده برای همه الگوهای ارتباطی در سطح خطای کمتر از $P < 0/01$ ، معنادار است. بنابراین، می‌توان الگوهای ارتباطی را از طریق پایبندی مذهبی پیش‌بینی کرد. شایان توجه است که به سبب اینکه نمره پایبندی مذهبی کل بیان جامع‌تری از پایبندی مذهبی آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد، از این نمره برای پیش‌بینی الگوهای ارتباطی در تحلیل استفاده شده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج رگرسیون پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین

متغیر ملاک	شاخص آماری	متغیر پیش‌بین	R	R2	F P	β	t P
ارتباط سازنده متقابل	پایبندی مذهبی	۰/۲۲	۰/۰۵	۱۲/۴۸	۰/۰۰۰	۰/۲۲	۳/۵۳ ۰/۰۰۰
ارتباط توقع/کناره‌گیری	پایبندی مذهبی	۰/۲۹	۰/۸۵	۲۲/۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۲۹	-۴/۷۱ ۰/۰۰۰
ارتباط توقع/کناره‌گیری مرد/زن	پایبندی مذهبی	۰/۱۹	۰/۰۴	۹/۹۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۹	-۳/۱۵ ۰/۰۰۰
ارتباط توقع/کناره‌گیری زن/مرد	پایبندی مذهبی	۰/۳۲	۰/۱۰	۲۷/۳۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۲	-۵/۲۲ ۰/۰۰۰
ارتباط اجتنابی متقابل	پایبندی مذهبی	۰/۲۷	۰/۰۷	۱۹/۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۲۷	-۴/۳۶ ۰/۰۰۰

همان‌طور که جدول ۳ بیان می‌کند، پایبندی مذهبی می‌تواند به ترتیب ۰.۵٪ واریانس الگوی ارتباطی سازنده متقابل، ۰.۸۵٪ واریانس الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری، ۰.۴٪ واریانس الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری مرد/زن، ۰.۱۰٪ واریانس الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری زن/مرد و ۰.۷٪ واریانس الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل را تبیین کند. ضریب‌های تأثیر مبین آن است که پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین رابطه معناداری دارد، به گونه‌ای که پایبندی مذهبی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه مثبت ($\beta=0/22$) دارد و این نشان می‌دهد که هرچه پایبندی مذهبی بیشتر باشد احتمال اینکه الگوی ارتباطی بین زوجین، ارتباط سازنده متقابل باشد، بیشتر است. اما پایبندی مذهبی با سایر الگوها به ترتیب، رابطه منفی دارد ($\beta=-0/29$)، ($\beta=-0/19$)، ($\beta=-0/32$)، ($\beta=-0/27$)، این نشان می‌دهد که هرچه پایبندی مذهبی بیشتر باشد احتمالاً سایر الگوهای ارتباطی بین زوجین کمتر برقرار خواهد بود و بر عکس در صورتی که پایبندی مذهبی کمتر باشد احتمال اینکه سایر الگوهای ارتباطی بین زوجین برقرار باشد، بیشتر است. بنابراین، فرضیه سوم بر اساس این نتایج، تأیید می‌شود.

بحث در یافته‌ها

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، فرضیه اول تأیید می‌شود. گرچه در میان پژوهش‌های پیشین، پژوهشی به ارزیابی این فرضیه نپرداخته است. اما این فرضیه با پژوهش‌های کیانی و همکاران (۱۳۸۹ش)، احمدی (۱۳۸۶ش) و خدا‌یاری فرد و همکاران (۱۳۸۶ش) تقریباً همسوست و نتایج آنها را با تأکید بر الگوهای ارتباطی زوجین تأیید می‌کند. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که اسلام با آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی، مدلی را برای روابط همسران تبیین می‌کند که با آگاهی و رعایت این آموزه‌ها از طرف همسران، ارتباط سازنده متقابل بین آنها بیشتر برقرار می‌شود. اصل و اساس اسلام، توحید و یگانگی خداوند متعال است.^{۲۶} اعتقاد به یگانگی و قدرت بی‌نهایت و اراده مؤثر او که فوق همه اراده‌هاست به یکپارچگی و انسجام شخصیت زوجین کمک می‌کند. وقتی همسری معتقد باشد به اینکه تمام رویدادها و حوادث از سوی خداست،^{۲۷} رزق به دست اوست،^{۲۸} مصلحت و خیر امور توسط او رقم می‌خورد،^{۲۹} در برابر بسیاری از حوادث زندگی که موجب فشارهای روانی شده، مانع از برقراری ارتباط سازنده متقابل می‌شود،

مقاومت می‌کند و با توکل بر خداوند، صبوری، مدارا، بخشش، تقوا ورزیدن، قناعت‌ورزی، رعایت حقوق متقابل همدیگر و تدبیر صحیح برای حل مشکلات، اقدام می‌کند و به سرزنش و مقصر دانستن دیگری یا جلوگیری از ارتباط برقرار کردن نمی‌پردازد. برای مثال، اسلام دستور مهر و محبت به زوجین می‌دهد،^{۳۰} و بیان می‌کند که با همسران خود مهربان باشید و دل‌هاشان را شاد کنید تا با شما زندگی کنند. آنان را به کاری مجبور نسازید، خشم آنها را برنیاگزیدید.^{۳۱} برای اسلام مهم است که زوجین ادراک متقابل از همدیگر داشته باشند، از این‌رو، بیان می‌کند که هیچ‌کس از شما ایمان نیاورده است تا هنگامی که آن چیزی را برای برادرش، دوست بدارد که برای خودش دوست دارد.^{۳۲} دوست داشتن امری برای فرد مقابل از زاویه دید شخص، سبب می‌شود که ادراک متقابل حاصل شده و همین امر عاملی برای افزایش ارتباط سازنده متقابل می‌شود.

نتایج درباره فرضیه دوم نیز حکایت از تأیید این فرضیه دارد. در تبیین این نتایج باید گفت که اعتقادات مذهبی و باورهای دین اسلام، به زندگی و جزئیات آن معنا و مفهوم می‌بخشد، از این رو زندگی و عناصر مربوط به آن رنگ تقدس و دینی به خود می‌گیرد. برای مثال، ازدواج در فرهنگ دینی فقط ارضای تمایلات جنسی و غریزی نیست، بلکه عبادتی است که در پرتو آن انسان، به تعالی و قرب الهی نائل خواهد شد. آنچه در قرآن و روایات از این عبادت نقل شده حکایت از آن دارد که ازدواج یکی از آیات الهی است^{۳۳} که خداوند سکونت انسان را در آن قرار داده، خود مودت را بین زوجین برقرار کرده و تا جایی این عبادت را متعالی می‌شمارد که حتی ارزش و فضیلت نماز که ستون دین معرفی شده،^{۳۴} به وسیله ازدواج افزایش می‌یابد.^{۳۵} از سوی دیگر، التزام عملی به وظایف دینی و اخلاقی از سوی زوجین پایبند به مذهب می‌تواند در چگونگی الگوی ارتباطی آنها تأثیر مهمی داشته باشد؛ بدین صورت که زوجین مؤمن خود را موظف به انجام دستورات دینی و اخلاقی دانسته و اعتقاد دارند که در صورت انجام دادن تکالیفشان به خدای خویش نزدیک‌تر شده، رحمت او را به سمت خود جذب می‌کنند، و در صورت انجام ندادن و سرکشی کردن از وظایفشان از خدای خویش دور شده، زمینه غضب او را فراهم می‌کنند. برای مثال، خانمی که می‌داند، رضای الهی در پرتو اطاعت شوهر است از همسرش اطاعت می‌کند تا نماز و سایر عبادات او نیز در این راستا از بین نرود.^{۳۶} یا شوهری که می‌داند که

رضای الهی در پرتو مدارا نمودن با همسرش، معاشرت نیکو با او و رعایت حقوق او محقق خواهد شد، سعی می‌کند که روابط خود را به این سمت جهت دهد.^{۳۷} بنابراین، این یافته‌ها با پژوهش احمدی (۱۳۸۶ش)، هم‌گرایی دارد، زیرا او در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده که میزان سازگاری زناشویی در بین زوجینی که تقیدات مذهبی زیادی دارند به طور معناداری بیشتر از کسانی است که تقیدات مذهبی کمتری دارند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعاتی که نشان می‌دهند پایبندی‌های مذهبی، حتی در زوجین کم درآمد، کیفیت زناشویی بالایی را نشان می‌دهد^{۳۸} و نیز پایبندی‌های مذهبی به حل تعارض زناشویی و پیشگیری از آن و آشتی در روابط کمک می‌کند^{۳۹} هماهنگی و همخوانی دارد. بنابراین، احتمالاً می‌توان نتیجه گرفت که وجود تفاوت معنادار بین الگوهای ارتباطی در گروه پایبند به مذهب و ناپایبند به مذهب حاکی از تأثیرگذاری پایبندی‌های مذهبی (اعتقادات دینی و رفتارهای مذهبی) بر چگونگی ارتباط میان زوجین است.

نتایج پژوهش حاضر در مورد فرضیه آخر نیز نشان می‌دهد که می‌توان الگوهای ارتباطی را از طریق پایبندی مذهبی پیش‌بینی کرد. نتایج نشان می‌دهد در صورتی که زوجین پایبند به مذهب باشند، احتمالاً الگوی ارتباطی بین آنها سازنده متقابل خواهد بود و در صورتی که زوجین پایبند به مذهب نباشند احتمال اینکه الگوی ارتباطی بین آنها سازنده متقابل باشد، خیلی کمتر است و بیشتر احتمال دارد که الگوی ارتباطی بین آنها توقع /کناره‌گیر یا اجتنابی متقابل باشد. بنابراین، یافته‌ها نشان می‌دهد در صورتی که پایبندی مذهبی پایین باشد احتمال بیشتری وجود دارد که الگوی ارتباطی بین آنها توقع /کناره‌گیر، به خصوص توقع زن، کناره‌گیر مرد باشد تا توقع مرد/کناره‌گیر زن. گرچه در میان پژوهش‌ها پژوهشی که به رابطه پایبندی مذهبی و الگوهای ارتباطی بپردازد، یافت نشد، اما این مطالعه می‌تواند یافته‌های تحقیق کال و هیتون^{۴۰} (۱۹۹۷م) را که نشان داده‌اند مذهب و معنویت بر پایداری رابطه زناشویی مؤثر است و می‌تواند روابط زناشویی را تقویت نموده، استحکام بخشد و توضیح و تبیین نماید، زیرا این نتایج بیان می‌کند در صورتی که زوجین پایبند به مذهب باشند، رابطه زناشویی آنها احتمالاً الگوی ارتباطی سازنده متقابل خواهد بود و با توجه به برقرار شدن این الگو در زوجین، رابطه زناشویی آنها پایدار خواهد شد و

در نتیجه، روابط آنها استحکام می‌یابد. ارتباط سازنده متقابل، نشان از وحدت زوجین در تعامل با همدیگر دارد. زن و شوهر با کمک همدیگر برای رفع مشکلات و عیب‌پوشی همدیگر تلاش دارند، به سرزنش یا تحقیر و ملامت یکدیگر نمی‌پردازند، از هم گله و شکایت نمی‌کنند و در تعامل با همدیگر برای حل مسائل، مشارکت دارند. اسلام تعبیر زیبایی از این نوع تعامل زوجین دارد. به نظر می‌رسد تعبیر اسلام از این تعامل، لباس بودن زوجین برای همدیگر است. (بقره: ۱۸۷) باور به اعتقادات دینی و رعایت آموزه‌های اخلاقی اسلام، به زن و شوهر کمک می‌کند که در روابط زناشویی خود چنین تعاملی را داشته باشند. الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر که حاکی از سرزنش و ملامت، گله و شکایت زوجین از همدیگر است نیز به شدت از نظر دیدگاه تربیتی اسلام منفور است. از نظر اسلام همه انسان‌ها محترم‌اند و زن و مرد نزد خداوند ارزش یکسانی دارند. بنابراین، تحقیر یا سرزنش همسر به هیچ وجه جایز نیست.^{۴۱} همچنین اسلام تمسخر و استهزا و را نهی فرموده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی از مردان شما گروهی دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را. شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید (حجرات: ۱۱).

تمسخر و استهزا صمیمیت بین زوجین را از بین می‌برد و میزان رضایت زناشویی آنان را کاهش می‌دهد.^{۴۲} همچنین اسلام، سرزنش، ملامت و ناسزاگویی را در هیچ شرایطی، حتی به دشمنان اسلام جایز نمی‌داند،^{۴۳} چه رسد به اینکه زوجین همدیگر را ملامت کرده و ناسزا گویند.

بنابراین، کسانی که پایبندی مذهبی دارند تلاش‌شان آن است که الگوی ارتباطی خود را با همسرشان سازنده متقابل نمایند و از ارتباط توقع/کناره‌گیر یا اجتنابی متقابل دوری کنند. فقدان پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زوجین که در همه پژوهش‌ها از اعتبار مطلوبی بهره‌مند باشند، همچنین عدم دسترسی آسان به زوجین برای انتخاب گروه‌های نمونه از جمله محدودیت‌های پژوهش بود.

بنابراین، طبق یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که باید با تبیین اعتقادات و آموزه‌های دینی در جلسات مشاوره یا کارگاه‌های آموزشی، به اصلاح الگوهای ارتباطی زوجین پرداخت. به عبارت کامل‌تر با تثبیت اعتقادات و آموزه‌های دینی در زوجین،

می‌توان الگوی ارتباطی بین آنها را در جهت ارتباط سازنده متقابل تغییر داد یا تثبیت کرد. بنابراین، لازم است مشاوران در حیطه مذهبی و مؤلفه‌های مربوط به آن، تخصص کافی داشته تا از این طریق بتوانند به اصلاح الگوهای ارتباطی زوجین بپردازند. از سوی دیگر، مسئولان در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و خدمات روان‌شناختی برای زوجین و خانواده‌ها باید آموزه‌های دینی را در این راستا اولویت دهند.



1. Veroff, J., et. al. *Mental health in American patterns of help seeking from 1957-1976*.
۲. طیبه وفایی و همکاران، «مقایسه الگوهای ارتباطی همسران جانباز و عادی»، *طب جانباز*، ش ۵، ص ۲۰-۲۶.
۳. سید احمد احمدی و مریم فاتحی زاده، «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان»، *خانواده پژوهی*، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۲۰.
۴. ر. ک. به: محمد علی نظری، *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*.
۵. امراله ابراهیمی، «مقایسه میزان اثربخشی روان‌درمانی یکپارچه گرای دینی با درمان شناختی - رفتاری و دارویی افراد مبتلا به افسرده خویی»، *پایان نامه دکتری روانشناسی*، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶
6. Mahoney, A. Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships, *Journal of Social Issues*, Vol. 61, No. 4, pp. 689-706.
- Lambert, N. M. & Dollahite, D. C. *How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict, Family Relations*, 55, 439-449.
7. Jerrigan, F.A. & Nack, N.
8. Kim Y.M. & Others. Spirituality and affect. A Function of changes in Religious affiliation. *Journal of family psychology*. Vol 13. Issue 3, 17.
۹. مسعود جان بزرگی و حمید رفیعی هنر، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، *روانشناسی و دین*، ش ۱، بهار ۸۹، ص ۳۱-۴۲.
9. Schrumm, W.
10. Religious Commitment
11. Religious Affiliation
12. Roth, P. D.
13. Methodist.
14. Baptist.
15. Daniel T. Lichter & Julie H. Carmalt
16. Edna Brown
17. Nathaniel M. Lambert David C. Dollahite
18. Walsh, F. *Spiritual Resources In Family Therapy*. New York: The Guilford
19. Caughlin, J. P. The Demand/Withdraw Pattern of Communication as a Predictor of Marital Satisfaction Over Time. *Human Communication Research*, Vol. 28 No. 1, p 49-85
- Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M). The longitudinal impact of demand and withdrawal during marital conflict. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 63, 797-801
۲۰. ر. ک. به: علی دلاور، *احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی*.
۲۱. ر. ک. به: عبادت پور، ب، «اعتباریابی پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره*، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
- زهره احمدی و همکاران، «بررسی اثربخشی شیوه زوج درمانی ارتباط شیء بر الگوهای ارتباطی زوجین»، *خانواده پژوهی*، ش ۶، تابستان ۸۵، ص ۱۰۵-۱۱۷
۲۲. مهدیه رضایی و دیگران، «تأثیر زوج درمانی هیجان‌مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی جانبازان مبتلا به PTSD ناشی از جنگ و همسرانشان»، *خانواده پژوهی*، ص ۴۳-۵۸.
۲۳. مسعود جان بزرگی، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج البلاغه»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ص ۷۹-۱۰۷.
۲۴. همان

۲۵. منظور از نمره «پایبندی مذهبی کل»، نمره ای است که نمرات عامل های «دو سوگرایی» و «ناپایبندی مذهبی» معکوس شده و با عامل پایبندی مذهبی جمع شده است.
۲۶. ر. ک. به: سیدمحمد حسین طباطبایی، *تفسیر المیزان*، ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی.
۲۷. حدید: ۲۲، ۲۳؛ نساء: ۷۸.
۲۸. آل عمران: ۳۷؛ نور: ۳۸.
۲۹. بقره: ۲۱۶.
۳۰. پیامبر ﷺ فرمود: نزدیک ترین شما به من در قیامت کسانی اند که اخلاقشان نیکوتر است و با اعضای خانواده بهتر رفتار کنند (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۷).
۳۱. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۴، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۵۲.
۳۲. محمد محمدی ری شهری، *منتخب میزان الحکمه*، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دارالحديث، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸.
۳۳. و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید. تا به ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی نهاد (روم: ۲۱).
۳۴. امام علی ﷺ فرمود: همانا نماز ستون دین شماست؛ محمد باقر مجلسی، *روضه المتقین*، ج ۱، ص ۳۱.
۳۵. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.
۳۶. رسول خدا ص فرمود: اگر کسی را امر می کردم که به شخص دیگری سجده کند هرآینه دستور می دادم که زن در برابر شوهرش سجده کند. (محمد باقر مجلسی، *روضه المتقین*، ج ۸ ص ۳۶۱). امام صادق ع فرمود: هرگاه زنی به شوهرش بگوید از تو خیری ندیدم تمام اعمالش نابود می گردد (همان).
۳۷. امام صادق (ع) فرمود: حق زن بر گردن همسرش آن است که اگر جهالت نمود یا اگر تو را اذیت نمود او را ببخشی. (همان). ای کسانی که ایمان آورده اید، بر آنها (زنانتان) سخت مگیرید، مگر آنکه مرتکب فحشایی به ثبوت رسیده شده باشند. و با آنان به نیکویی رفتار کنید. و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی آید در حالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده باشد (نساء: ۱۹).
38. Lichter, D. T., Carmalt, J. H. *Religion and marital quality among low-income couples, Social Science Research*, Volume 38, Issue 1, Pages 168-187.
39. Mahoney, A. Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships, *Journal of Social Issues*, Vol. 61, No. 4, pp. 689—706
- Lambert, N. M. & Dollahite, D. C. *How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict, Family Relations*, 55, 439—449
40. Call, V. R. A., & Heaton, T. B.
۴۱. محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، ج ۲، حدیث ۴۰۷۷
۴۲. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۵ ص ۱۴۴، ح ۹.
۴۳. انعام: ۱۰۸.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ی عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۴
- ابراهیمی، امراله، «مقایسه میزان اثربخشی روان‌درمانی یکپارچه گرای دینی با درمان شناختی - رفتاری و دارویی افراد مبتلا به افسرده خویی»، *پایان نامه دکتری روانشناسی*، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶
- احمدی، سید احمد؛ فاتحی زاده، مریم، «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان»، *خانواده پژوهی*، ش ۲، تابستان ۸۴، ص ۱۰۹-۱۲۰.
- احمدی، خدابخش، «نقش اعتقادات دینی در آسیب شناسی فرهنگی خانواده»، *علوم رفتاری*، ش ۱، پاییز ۸۶، ص ۱۶-۹.
- احمدی، زهرا و همکاران، « بررسی اثربخشی شیوه زوج درمانی ارتباط شیء بر الگوهای ارتباطی زوجین»، *خانواده پژوهی*، ش ۶، تابستان ۸۵، ص ۱۰۵ - ۱۱۷.
- حرعاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۱
- خدایاری فرد و همکاران، «رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، *خانواده پژوهی*، ش ۱۰، تابستان ۸۶، ص ۶۱۲-۶۲۰.
- جان بزرگی، مسعود، «ساخت و اعتبار یابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره های قرآن و نهج البلاغه»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ش ۵، پاییز ۸۸، ص ۷۹-۱۰۷.
- جان بزرگی، مسعود؛ رفیعی هنر، حمید، «رابطه جهت گیری مذهبی و خودمهارگری»، *روانشناسی و دین*، ش ۱، بهار ۸۹، ص ۳۱-۴۲.
- دانش، عصمت، «افزایش سازگاری زناشویی زوج های ناسازگار با مشاوره از چشم انداز اسلامی»، *مطالعات روان شناختی*، ش ۲، تابستان ۸۹، ص ۵-۲۵.
- دلاور، علی، *احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۳.
- رضایی، مهدیه و دیگران، «تأثیر زوج درمانی هیجان مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی جانبازان مبتلا به PTSD ناشی از جنگ و همسرانشان»، *خانواده پژوهی*، ش ۶، بهار ۸۹، ص ۴۳-۵۸.
- کیانی، احمد و دیگران، «ابعاد جهت گیری مذهبی و مرزهای ارتباطی خانواده: همبستگی بنیادی»، *روانشناسی و دین*، ش ۳، پاییز ۸۹، ص ۹۳-۱۰۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴
- عبادت پور، ب، «اعتباریابی پرسش نامه الگوهای ارتباطی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره*، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۷۹
- محمدی ری شهری، محمد، *منتخب میزان الحکمه*، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷
- مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
- ، *روضه المتقین*، قم، بنیاد کوشانپور، ۱۴۰۶ ق
- نظری، محمد علی، *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*، تهران، علی، ۱۳۸۸
- نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

وفایی، طیبه و همکاران، «مقایسه الگوهای ارتباطی همسران جانباز و عادی»، *طب جانباز*، ش ۵، پاییز ۸۸ ص ۲۰-۲۶.

- Brown, E., Orbuch, T. L., Bauermeister, J. A. (2008). *Religiosity and Marital Stability Among Black American and White American Couples, Family Relations*, 57, 186-197.
- Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36, 382-392.
- Caughlin, J. P. (2002). The Demand/Withdraw Pattern of Communication as a Predictor of Marital Satisfaction Over Time. *Human Communication Research*, Vol. 28 No. 1, p 49-85.
- Chamberlain, T.J. & Hall, C.A., (2000). Research on the Relationship Between Religion and Health: Realized Religion, Philadelphia & London: Templeton Foundation
- Christensen, A. & Sullaway, M.(1984). Communication Patterns Questionnaire. Unpublished Manuscript, University of California, Los Angeles
- Jerrigan, F.A & Nack, N.(1978). Emotion status measurement. Abingdon, UK: Radcliffe medical press
- Gottman, J. (1994). Why Marriage succeed or Fail. New York: Simon & Schuster
- Veroff, J., et. al. (1981). *Mental health in American patterns of help seeking from 1957-1976*. New York: Basic Books
- Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M. (1995). The longitudinal impact of demand and withdrawal during marital conflict. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 63, 797-801.
- Kim Y.M. & Others. (2004). Spirituality and affect. A Function of changes in Religious affiliation. *Journal of family psychology*. Vol 13. Issue 3, 17.
- Lambert, N. M. & Dollahite, D. C. (2006). *How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict, Family Relations*, 55, 439-449.
- Lichter, D. T., Carmalt, J. H. (2009). Religion and marital quality among low-income couples, *Social Science Research*, Volume 38, Issue 1, Pages 168-187.
- Mahoney, A. (2005). Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships, *Journal of Social Issues*, Vol. 61, No. 4, pp. 689-706.
- Roth, P. D. (1988). "Spiritual Well-Being and Marital Adjustment." *Journal of Psychology and Theology*, 16(2), 153-158.
- Shrum, W. (1980). "Religion and Marital Instability: Change in the 1970s?" *Review of Religious Research*, 21(2), 135-147.
- Veroff, J., et. al. (1981). *Mental health in American patterns of help seeking from 1957-1976*. New York: Basic Books
- Walsh, F. (2009). *Spiritual Resources In Family Therapy*, New York: The Guilford.

